



دادرسی ترمیمی در نظام عرفی

پدیدآورنده (ها) : نوابیان، خسرو

حقوق :: نشریه قضاوت :: آذر و دی ۱۳۹۰ - شماره ۷۳

صفحات : از ۳۹ تا ۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/888575>

تاریخ دالود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- میانجی‌گری کارآمدترین روش جایگزین حل اختلاف برای تحقق عدالت ترمیمی
- تأثیر فقر بر افزایش آسیب‌های اجتماعی
- آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه‌نشین و ارتباط آن با جرائم (در مناطق اقبالیه، پوبیندرو خیرآباد قزوین)
- گزارش دوازدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد ۱۲-۱۹ آوریل ۲۰۱۰ سالوادور - برزیل
- پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان
- ساخت اقتصادی - اجتماعی حاشیه‌نشینی و انحرافات اجتماعی
- پیشگیری وضعی از جرایم جنسی
- آسیب‌شناسی آثار هرزه‌نگاری اینترنتی بر روابط جنسی زوج‌ها
- خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرندی) ستار پروین ، علی‌اصغر درویشی‌فرد
- رویکرد وجدان‌محور در زمینه‌ی مسئولیت کیفری
- بررسی مصادیق فقدان قوه تشخیص و اراده از دیدگاه پزشکی قانونی و حقوق کیفری
- فلسفه مدرنیته و نقش آن در تعلیم و تربیت

عناوین مشابه

- چالش‌های دادرسی ترمیمی اطفال معارض با قانون در نظام حقوقی ایران
- خانواده‌بستر تحقق حقوق شهروندی اطفال بزهکار در نظام عدالت ترمیمی
- نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری
- دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان در پرتو نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان
- تأثیر به‌کارگیری ابزار یادگیری ماشین در نظام دادرسی حقوق نوشته با نگاهی به تجربه جمهوری خلق چین و کاربست آن در نظام قضایی ایران
- اصول قانونی بودن جرم و مجازات و دادرسی در نظام حقوقی زرتشتی (حقوق ایرانی یا حقوق پارسی)
- مطالعه تطبیقی دادرسی اساسی در نظام حقوقی ایران و آلمان (مبانی و آسیب‌شناسی)
- بررسی موردی کژحوزه‌بندی انتخاباتی در پرتو دادرسی اساسی ایالات متحده آمریکا و ره‌آورد آن در نظام حقوقی ایران
- مبانی و تضمینات اصل قانونمندی دادرسی در نظام کیفری ایران و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
- جایگاه اصل تناظر و حق تجدیدنظرخواهی در نظام دادرسی مالیاتی ایران

دادرسی ترمیمی در نظام عرفی

◀ خسرو نوایان

بازیرس دادسرای عمومی و انقلاب رامسر

چکیده: هر چند پیشینه برخی از مجازات‌ها به ویژه مجازات‌های انتقامی، حکایت از توجه به بزه دیدگان داشته است اما در دوران جدید توجه بیش از اندازه به حق جمعی در برابر حق فردی از سویی و فاصله گرفتن از رویکرد انتقامی از سوی دیگر، موجب شد که جرم به رویارویی بزهکار و جامعه تبدیل شده و بزه دیده به عنوان ضلع سوم کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا حتی در برخی موارد اصلاً مورد توجه قرار نگیرد. از سال ۱۹۸۰ میلادی مکتب عدالت ترمیمی با تکیه بر یک ایدئولوژی نوین یعنی بزه دیده محوری پا به عرصه وجود گذاشت و معتقد است که تمام مکاتب کیفری گذشته با به حاشیه راندن بزه دیده و دادن نقش انفعالی به وی بنا را از پایه کج نهاده اند. در این راستا دادرسی ترمیمی نیز مجموعه مفاهیم شکلی مطروحه در این مکتب نوین است. دادرسی ترمیمی از یک سو در صدد ارتقاء رویکرد بزه دیده محوری و ترمیم خسارات وارده به بزه دیده است و او را از حاشیه نشینی در نظام عدالت کیفری به سمت ایفاء نقشی فعال، در پروسه فرآیندهای ترمیمی سوق می‌دهد و از سوی دیگر با ایجاد ارتباط میان بزهکار و بزه دیده و ملاحظه آسیبه‌های وارده به بزه دیده از سوی خود بزهکار، حس مسئولیت پذیری در وی را در راه رسیدن به توافقی ترمیمی با بزه دیده و ایفاء تعهدات ترمیمی خود تشویق و تحریک می‌نماید.

واژگان کلیدی: دادرسی ترمیمی، بزه دیده، بزهکار، جامعه محلی، فرآیندهای ترمیمی

تاریخ تأیید: ۹۰/۸/۲۹

تاریخ وصول: ۹۰/۶/۱

Khosrow.navayan@yahoo.com

نویسنده پاسخگو: دادسرای عمومی و انقلاب رامسر

۱. مقدمه

در مجموع سه رویکرد نسبت به سهامداران^۱ پدیده مجرمانه و نحوه برخورد با آن ایجاد شده است.

رویکرد اول، رویکردی سزادهنده بود که صرفاً درصدد سرکوب و سزادهی بزهکار^۲ بوده و هیچ توجهی به شخصیت بزهکار نداشت. به عبارتی دیگر عدالت کیفری، جرم مدار بود.

در رویکرد دوم این اندیشه شکل گرفت که از آنجایی که مرتکب انسان می‌باشد، بنابراین

واکنش جامعه باید تابع شخصیت وی، انگیزه و اوضاع و احوال ناظر به او باشد و بدین ترتیب بر عدالت کیفری، نگرشی بالینی و کلینیکی حاکم شد. این رویکرد به عدالت بازپرورانه نیز شهرت یافت.

در مجموع به دو رویکرد فوق، عدالت کیفری کلاسیک اطلاق می‌شود. مهمترین هدف این نظام، بازدارندگی، بازپروری و اصلاح مجرمان بود که عملاً در این کار نیز موفق نبوده است. همچنین ناتوانی این رویکرد جهت پاسخگو

نمودن بزهکار به طریق معنی دار و مفید و نیز ناتوانی آن از ارائه پاسخ مناسب به نیازهای بزه دیدگان و ناکارایی این نظام به ویژه با توجه به تأخیر مزمن و طولانی در رسیدگی به پرونده‌ها از جمله انتقادات وارده بر این نظام است.

در نظام عدالت کیفری کلاسیک دولت با وضع قاعده و اصل قانونی بودن تعقیب و دادن خصیصه عمومی به جرائم و همچنین گسترش جرم انگاری در جرائم بدون بزه دیده، جایگاه بزه دیده^۳ را از آن خود کرد. هنگامی که دولتها

جامعه محلی^۵ در تعامل و تحت نظارت انتظامی و قضایی، جهت حل و فصل دعاوی کیفری از طریق سازوکارهای ترمیمی و با استفاده از مذاکره و تفاهم، به منظور ترمیم خسارات بزه دیده و تنبّه و آگاهی متهم نسبت به آثار زیان بار عمل ارتكابی خود و مسئولیت پذیری او و پیشگیری از ارتكاب جرم می‌باشد. این دادرسی در مفهوم مضیق خود مشتمل بر مشارکت بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی در فرایند تصمیم‌گیری برای حل و فصل دعوی می‌باشد و در مفهوم موسع خود مشتمل بر حضور نماینده حاکمیت علاوه بر بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی به علت گسترده بودن دامنه جرم ارتكابی است (موذن زادگان، ۱۳۸۴). در این دیدگاه عدالت زمانی تحقق می‌یابد که همه سهامداران با آسودگی خاطر در فرآیند رسیدگی مشارکت و مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند که مسلماً برآیند چنین تصمیمی برای همه سهامداران منصفانه خواهد بود.

در بیان ویژگی‌های تعریف ارائه شده از دادرسی ترمیمی می‌توان به: ۱- مشارکت فعال بزه‌دیده، بزهکار و نماینده حاکمیت و جامعه محلی در فرآیند تصمیم‌گیری، ۲- برآیند دادرسی ترمیمی حصول توافق بین کلیه سهامداران می‌باشد و ۳- تنبّه بزهکار و جبران خسارات وارده به بزه‌دیدگان و پرداخت غرامت به بزه‌دیده و جبران خسارت از وی به هدف تأیید و به رسمیت شناختن خسارتهای بزه‌دیده از رهگذر یک نظام ترمیمی مالی از سوی دولت یا مجرم اشاره کرد (اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴، ص ۹۱).

موضوع نظام دادرسی ترمیمی به دو موضوع اصلی و فرعی منشعب می‌شود. موضوع اصلی این نظام رسیدگی به جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان جرم ارتكابی می‌باشد که محور بحث این نظام می‌باشد و موضوع فرعی این نظام، رسیدگی به جنبه عمومی جرم می‌باشد. به طور کلی در این نظام تمرکز اصلی، تحقیق و گفتگو بر روی جنبه‌های کیفری به صورت مشارکت مردمی در فرآیند تصمیم‌گیری وحل و فصل اختلافات فی مابین می‌باشد (رهگشا، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

۳. بازتاب دادرسی ترمیمی در نظام عرفی

ایران

نگاهی گذرا به سنت‌ها، آداب و رسوم و عقاید و پیشینه تاریخی کشورمان کافی است که به آسانی ردپای اندیشه‌های عدالت‌انسانی مبتنی بر مصالحه، مدارا و بخشش را در جلوه‌های

فرآیند ترمیمی یعنی هر فرآیندی که در آن بزه دیده،

بزهکار و در صورت لزوم هر فردی از جامعه که از جرم ارتكابی اثر پذیرفته به طور فعالانه و معمولاً به کمک یک تسهیل‌کننده در حل مسائل برخوردار می‌گردد. این فرآیند دارای سازوکارهای متنوعی می‌باشد

از دیدگاه دادرسی ترمیمی تلاش دادرسی واقع‌نگر در مرحله اول باید معطوف به جبران خسارت و التیام روابط گسیخته شده در بین سهامداران باشد. در این نظام از مجرم به عنوان فردی که تحت شرایط خاص مرتکب عملی زیان بار علیه شخص دیگری از جامعه یا علیه جامعه خود شده باشد، نگرسته می‌شود و در موقعیتی سرشار از احترام و صمیمیت و از طریق سازوکارهای مبتنی بر مشارکت فعال همه سهامداران و با تأکید بر مذاکره و گفتگو، بزهکار، ضمن پذیرش مسئولیت عمل ارتكابی خود و بامساعدت و همیاری جامعه، به جبران خسارت بزه‌دیده و رفع مشکلات و التیام روابط اختلال یافته جامعه می‌پردازد.

در این نظام اصل بر رویارویی و مواجهه حضوری بزهکار و بزه‌دیدگان است. درحالی که در فرآیند رسیدگی کیفری، قاضی هیأت منصفه، مقامات دولتی، شهود و متهم نقش فعالی دارند و مهمترین هدف در این فرآیند اصلاح مجرم و اعاده نظم عمومی مختل شده می‌باشد.

فرآیند ترمیمی یعنی هر فرآیندی که در آن بزه‌دیده، بزهکار و در صورت لزوم هر فردی از جامعه که از جرم ارتكابی اثر پذیرفته به طور فعالانه و معمولاً به کمک یک تسهیل‌کننده در حل مسائل برخوردار می‌گردد، مشارکت می‌کند. این فرآیند دارای سازوکارهای متنوعی می‌باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۵۹). بنابراین هرچند بسیاری از برنامه‌های دادرسی ترمیمی حول محور ایجاد زمینه ملاقات و مواجهه میان بزه‌دیدگان و بزهکاران و احتمالاً اعضای جامعه محلی می‌گردند ولی درعین حال رهیافت ترمیمی، حتی زمانی که بزهکار دستگیر نشده و یا یکی از طرفین تمایل به ملاقات نداشته یا قادر به انجام آن نیست نیز، مهم است. بنابراین رویکرد ترمیمی صرفاً محدود به ایجاد مواجهه میان طرفین نیست (زهر، ۱۳۸۸، ص ۳۶ و ۳۷).

دادرسی ترمیمی مشتمل بر قواعدی است که ناظر به نحوه مشارکت فعال بزه‌دیده، بزهکار و

حق تعقیب جزایی را به انحصار خود درآوردند و غرامت قابل پرداخت به بزه‌دیده را به جریمه قابل پرداخت به خزانه تبدیل کردند بزه‌دیده به صورت یک فرد از یاد رفته و فاقد موقعیت حقوقی درآمد (عبدالفتاح، ۱۳۷۱، شماره ۳، ص ۹۱).

به تدریج با توجه به انتقادات وارده به نظام عدالت کیفری کلاسیک و فراگیر شدن احساس عمومی در رابطه با ناتوانی این سیستم در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی با افزایش ناگهانی و تأسف بار نرخ جرم، اندیشه و تلاش برای جایگزینی رویکردی جدید شعله‌ورتر شد. به تدریج زمینه و توجه به میانجی‌گری و رویکرد سوم بیشتر شد (غلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

در سال ۱۹۷۷ نیل کریستی با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «اختلاف به عنوان دارایی» اختلاف برخوردار از جرم را به دارایی و مال بزه‌دیده و بزهکار تشبیه نمود که توسط مقامات عدالت کیفری و مقامات عمومی جامعه به سرقت رفته است و بایستی به مالک اصلی آن برگردانده شود (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۵۸). وصف این رویکرد، ترمیمی است.

دادرسی ترمیمی حلقه و دایره سهامداران را فراتر از فقط دولت و بزهکار، به بزه‌دیده و اعضای جامعه محلی نیز توسعه می‌دهد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱ و ۱۲) یعنی همه سهامداران پدیده مجرمانه.

جرم در این دیدگاه بیش از آنکه تعرض به قانون، حکومت و جامعه تلقی شود به عنوان یک تعرض واقعی و ملموس به انسانها (بزه‌دیده) در جامعه تلقی می‌شود. در این فرآیند عموماً طرفین (بزه‌دیده و بزهکار) مستقیماً با یکدیگر به بحث و گفتگو می‌نشینند و به بزه‌دیده عنوان اختلافی میان افراد نگرسته می‌شود که قابل حل و فصل و جبران خواهد بود.

۲. مفهوم دادرسی ترمیمی^۲

در این دادرسی اعتقاد بر این است که در فرآیند رسیدگی کیفری و جهت‌گیریهای قضایی در زمان آغاز تعقیب کیفری، محاکمه و تعیین مجازات، از یک سو به نظریات و خواسته‌های بزه‌دیده باید بها و ارزش بیشتری داده شود و از سوی دیگر همچون بزهکار مشمول برنامه‌های درمانی، بازپروری و بازپذیرسازی اجتماعی قرار گیرد.

در دادرسی ترمیمی با اقتباس از فلسفه وضع جرم در عدالت ترمیمی در اغلب موارد پیش از آنکه جرم با مفهوم ذهنی یا انتزاعی، محل نظم عمومی به حساب آید با نگاهی عینی، جرم اقدامی زیان بار علیه بزه‌دیده تلقی می‌گردد.

شیخ قبیله که فردی صاحب احترام و ذی نفوذ در بین عشیره و قبیله خود می‌باشد اجرا می‌شود. شیخ قبیله نقش میانجی را در حل و فصل اختلافات و برقراری صلح و سازش میان طرفین ایفا می‌کند.

پس از اینکه جرم قتل عمد واقع شد، به علت اینکه جرم ارتكابی تکان دهنده و مهم تلقی می‌شود و افراد قبیله مقتول با اطلاع از این واقعه معمولاً در صدد واکنش متقابل و فوری بر می‌آیند، در این زمان خانواده و افراد قبیله قاتل و مقتول لحظات، پرتلهایی را می‌گذرانند. بستگان قاتل با اطلاع از این واقعه با حضور در صحنه جرم یا منزل قاتل، به محافظت از ایشان در برابر هجوم احتمالی بستگان مقتول می‌پردازند. در این وضعیت اولین اقدام از سوی شیوخ، سادات و افراد ذی نفوذ قبیله صورت می‌پذیرد و با حضور در صحنه جرم، اقدام به جداسازی دو قبیله می‌نمایند.

پس از شروع فصل و جداسازی دو قبیله توسط سادات یا شیوخ و افراد ذی نفوذ قبیله، اقدامات میانجی گرانه، آغاز می‌شود. افراد و روسای قبایل به اتفاق هم به خانه مقتول و اولیاء دم وی رفته و پس از صحبت‌های اولیه از خانواده مقتول و اولیاء دم، مهلتی را می‌گیرند. در طی این مدت، افراد ذی نفوذ و شیوخ قبیله به خانواده و اولیاء دم مقتول عنوان می‌کنند که اگر ظرف این مدت که معمولاً دو الی سه ماه است نتوانستند موجبات رضایت آنها را فراهم بیاورند، قاتل را به ایشان تحویل می‌دهند. به این مهلت به اصطلاح، عَطوه، گفته می‌شود (عطاشنه، پیشین، ص ۶۸).

از نکات قابل توجه این است که در مدت عَطوه، اگر افراد خانواده مقتول با خود قاتل با یکی از کسان وی، روبرو شوند حق هیچگونه تعرضی نسبت به آنها را نخواهند داشت. پس از گرفتن عَطوه، اولیاء دم قاتل و خود وی، تلاش‌های گسترده‌ای را جهت تحصیل و کسب رضایت اولیاء دم مقتول شروع می‌کنند. به سراغ میانجی گران رفته و از آنها می‌خواهند که با توجه به نفوذ و احترامی که نزد قبیله دارند اقدام به میانجی‌گری نمایند (عباسی، پیشین، ص ۲۷۷).

افراد میانجی نیز تمام سعی و تلاش خود را جهت تحصیل رضایت خانواده مقتول به کار گرفته و در راستای تحصیل رضایت و موافقت اولیاء دم از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. این تلاش‌ها و اقدامات شیوخ، بزرگان، افراد میانجی و دیگران و برگزاری نشست‌ها و اقدامات میانجی گرانه آنقدر ادامه می‌یابد تا خانواده مقتول کم‌کم متقاعد شوند که تنازع موجود را با مصالحه خاتمه دهند. تا اینجا نقش افراد

(عطاشنه، ۱۳۷۰-۱۳۶۹، ص ۱۰۰). در جهت حل و فصل اکثر دعاوی از این آیین استفاده می‌شود. کاربرد این آیین بیشتر در زمینه قتل است به نحوی که در مورد قتل و انواع مختلف آن ۹۵ درصد پرونده‌ها با مصالحه و دادن فصل، خاتمه می‌یابد (نوذریور، ۱۳۷۰، ص ۴۴).

این رسم در همه کشورهای عربی به ویژه اردن، فلسطین و نیز در کشور افغانستان با عناوین مشابه یا متفاوت مثل صلح، رسم بد و غیره جاری است (غلامی، پیشین، ص ۲۰۵). فرآیند اجرای این رسم دارای برخی ابعاد ترمیمی است. وجود میانجی برای گفتگو با طرفین اختلاف برای حصول سازش، ضرورت رعایت احترام به طرفین در فرآیند اجرای این رسم، اقرار مرتکب به جرم ارتكابی و تسلیم خود در جریان اجرای آیین فصل، پرداخت خسارت به بزه دیده یا اولیاء وی و در نهایت حصول سازش و توافق، در صورت موفقیت آمیز بودن این فرآیند، از جمله ویژگی‌های ترمیمی آن به شمار می‌رود.

فصل در معنای لغوی به معنای جداسازی، بریدن، وساطت و مداخله بین متنازعین است و در اصطلاح فصل یعنی جبران و ترمیم خسارات وارده به بزه دیده. برخی دیگر عقیده دارند فصل در اصطلاح عبارت است از: احکام، آیین‌ها، سنت‌های موروثی حل اختلاف جزایی و حقوقی که غیرمکتوب و غیرمدون بوده و به منظور جبران خسارات وارده به بزه دیده اجرا می‌شوند (دانا، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

آنچه که در این آیین مورد حکم قرار می‌گیرد، فاصله نامیده می‌شود. این آیین یکی از شیوه‌های کدخدمانشی در حل و فصل اختلافات به حساب آمده و در صورت وقوع جرم سنگین و بزرگی مثل قتل، بر رسیدگی کیفری ترجیح داده می‌شود. این آیین از طرف

در مدت عَطوه، اگر افراد خانواده مقتول با خود قاتل با یکی از کسان وی، روبرو شوند حق هیچگونه تعرضی نسبت به آنها را نخواهند داشت. پس از گرفتن عَطوه، اولیاء دم قاتل و خود وی، تلاش‌های گسترده‌ای را جهت تحصیل و کسب رضایت اولیاء دم مقتول شروع می‌کنند. به سراغ میانجی گران رفته و از آنها می‌خواهند که با توجه به نفوذ و احترامی که نزد قبیله دارند اقدام به میانجی‌گری نمایند

مختلف حیات اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها پیدا نمی‌شود. همچون که اکثر تمدن‌های قدیمی و ریشه‌دار، در ایران نیز در داوریه‌ها و دادرسی‌های سنتی، روش‌های مبتنی بر مصالحه و سازش از قدمتی دیرینه برخوردار است. تعالیم مذهبی ما نیز توصیه به روحیه گذشت و ایثار و مصالحه را حتی در جرمی مثل قتل عمد فراموش نمی‌کند. مفاهیمی مانند مصالحه و مدارا، عفو و بخشش در میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف به ویژه عشایر، از ریشه داترین و ماندگارترین مفاهیم اعتقادی و مذهبی ما است که با سنت و فرهنگ آنها عجین شده و مایه‌های فکری لازم را برای شکل‌گیری یک دیدگاه مردمی و انسانی از عدالت کیفری فراهم نموده است (عباسی، پیشین، ص ۲۶۹ تا ۲۷۵).

هرگاه سایه اختلافی، روابط میان افراد را تیره کرده است، آنجا عرصه حضور افراد ذی نفوذ برای ترمیم روابط گسیخته شده انسانی بوده است. سنت کدخدمانشی و ریش سفیدی به طور غیررسمی هنوز، قوام و دوام بسیاری از جوامع محلی را تضمین نموده است. میانجی‌گری قومی و قبیله‌ای هنوز هم جایگاه واقعی خود را در بین برخی از اقوام عشایری به ویژه مناطق عرب نشین خوزستان، عشایر بختیاری و قوم بلوچ از دست نداده است. قوانین عرفی در میان عشایر، اصولاً با سایر قوانین تفاوت داشته است و شورایی از ریش سفیدان به دعاوی عشایری رسیدگی می‌کنند که ما به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم:

۱-۳. آیین فصل

در میان عشایر عرب خوزستان، آیین‌های متداولی از قدیم وجود داشته که براساس آن اختلافات ناشی از جرائم را در میان خود فیصله می‌دادند. به عنوان مثال در تاریخ یعقوبی (ابن ابی یعقوب، سال ۱۳۶۲، ص ۳۳۷) می‌خوانیم: «عرب را داورانی بود که در کارهای خویش به آنان رجوع می‌کرد و در محاکمات و مواریث و آبها و خون‌های خویش آنان را داور می‌شناخت. چه، عرب را دینی نبود که به احکام آن رجوع کنند. پس اهل شرف و راستی و امانت و سروری و سالخورده‌گی و بزرگواری و آزمودگی را، حکم قرار می‌دادند.»

این راه‌حل‌های عرفی که آیین فصل نامیده می‌شود هنوز هم در بین افراد عشایر عرب وجود دارد و از هنگامی شروع می‌گردد که قتل رخ داده، تجاوزی به وقوع پیوسته یا جرم دیگری واقع شود که مطابق اعتقادات و ارزش‌های قومی - قبیله‌ای و عشایری نبوده است و بر مبنای این آداب و رسوم، عمل ارتكابی جرم محسوب شود

واسطه و میانجی گران، تهیه مقدمات و آماده سازی برای مصالحه و سازش دو قبیله قاتل و اولیاء دم مقتول می‌باشد، سپس وارد مرحله بعد یعنی انجام و فرجام فصل می‌شویم.

تا این مرحله نقش افراد واسطه و میانجی گران، تهیه مقدمات و آماده سازی برای مصالحه و سازش می‌باشد. پس از این مرحله، واسطه ها و میانجی گران و خانواده مقتول ترتیب جلسه مصالحه را می‌دهند و مقرر می‌گردد که در روزی معین، خانواده قاتل و افرادی از قبیله مقتول بتوانند در منزل مقتول و اولیاء دم او یا منزل شیخ قبیله مقتول، جهت دادن فصل حضور به هم رسانند (عباسی، همان، ص ۲۷۷).

در روز مذکور قبیله قاتل با دور هم جمع نمودن شیوخ قبایل، سادات و دیگر افراد متشخص و خیرخواه به همراه شخص قاتل و خانواده وی به منزل موردنظر می‌روند. در این روز قبیله و خانواده قاتل شروع به صحبت می‌کنند و ضمن اظهار تأسف قلبی خود از بابت حادثه واقع شده، آمادگی خود را برای جبران این فاجعه به هر نحوی که خانواده مقتول امر بفرمایند اعلام می‌کنند. در پاسخ اولیاء دم مقتول به ایراد سخن پرداخته و مطالبی را جهت روشن شدن ذهن حاضران بیان می‌کنند. در نهایت مبلغ موردنظر خود را ضمن این صحبتها، اظهار می‌نمایند در این هنگام بحث شروع شده و مشروط به اینکه جو جلسه متشنج نشود همه، حق اظهارنظر دارند (عطاشنه، پیشین، ص ۸۰). در این جلسه افراد دیگر حاضر در جلسه، از طریق شیخ قبیله خویش مطالب و نظراتی را اعلام می‌دارند. پس از این صحبتها، حکم ها که معمولاً روسای قبایل و عشایر و شیوخ و سادات متنفذ می‌باشند، به اتاق دیگری رفته و درخصوص تطبیق حادثه پیش آمده با اصول و قواعد عرفی و احکام و قضاوت های سابق، تصمیم گیری می‌نمایند. معمولاً دیات، براساس قراردادهای موجود بین قبایل تعیین می‌گردد که این امر الزاماً در قوانین، مقدر نمی‌باشند و مبالغ خسارات و هزینه های اضافی نیز تخمین زده شده و تعیین می‌گردد و برطبق آداب مرسوم محلی، معمولاً با ازدواج دختری از قبیله قاتل با شخصی از قبیله مقتول توافق می‌شود. بعد از این توافقات حکمها به میان جمع آمده و تصمیم مقرر شده، اعلام می‌گردد و پس از آن اولیاء دم جانی، دستمالی تهیه و آن را گره زده و به شیخ قبیله خود می‌دهند. به این عمل در اصطلاح «شدالرایه» گفته می‌شود شیخ قبیله بیان می‌کند که ما توقع داریم با برادران خود در طایفه مقابل به صلح و صفا به زندگی ادامه دهیم و در صورت

در صورت پذیرش درخواست عفو و بخشش قاتل، از طرف

خانواده مقتول و توافق درخصوص تعیین روزیکه برای گفت‌وگو و مذاکره جهت حل و فصل موضوع تعیین می‌شود در این روز بزرگان و ریش سفیدان خانواده و قبیله قاتل در طی یک اقدام نمادین، برگردن قاتل ریسمانی آویخته و قرآن و شمشیری بر روی دستان وی گذاشته و او را به منزل اولیاء دم مقتول می‌برند و از ولی دم مقتول می‌خواهند که به احترام قرآن مجید قاتل را ببخشند و به گرفتن خون بها رضایت بدهند

پذیرش عذر ما و اعلام گذشت، دستمال را باز نموده و فاتحه‌ای بخوانند. پس از گفتن این جملات دستمال، تحویل مسن ترین سید حاضر در جلسه می‌شود و ایشان دستمال را به شیخ قبیله مقتول می‌دهد تا آنرا باز نماید. شیخ قبیله مقتول قبل از باز کردن دستمال بر طبق سنتهای موجود مبلغی را از مبلغ جبران خسارات تعیین شده کم نموده و مبلغ آخر را اعلام می‌دارد و پس از آن گره دستمال را گشوده و افراد ضمن صلوات فاتحه‌ای می‌خوانند. شیوخ دو قبیله با هم روبوسی کرده و از یکدیگر طلب عفو و بخش می‌نمایند. پس از آن اولیاء دم مقتول و اولیاء دم قاتل همدیگر را در آغوش گرفته و با روبوسی جلسه مصالحه خاتمه می‌یابد (عباسی، مصطفی، پیشین، ص ۲۷۸).

به نحوی که ملاحظه می‌شود می‌توانیم بگوییم یکی از سازوکارهای نظام دادرسی ترمیمی در قالب آیین فصل در نظام عرفی ایران وجود داشته و هم اکنون نیز در بین افراد عشایر عرب خوزستان رواج دارد. ورود به این جلسات و خروج از آنها از طرف هر کدام از طرفین کاملاً اختیاری است. باین وجود عناصری از نتایج اجرای این آیین با آموزه های حقوق بشری کاملاً در تعارض است و آن هم الزام یک یا چند دختر از خانواده قاتل به ازدواج با یک یا چند نفر از خانواده مقتول است.

۲-۳. آیین خون بس

در بین عشایر لر بختیاری نیز آداب و رسومی شبیه آیین فصل وجود داشته است که به این آیین‌ها، آیین های خون بس گفته می‌شود.

این آیین بیشتر در مورد جرم قتل عمد کاربرد دارد و این امر نیز ناشی از این اعتقاد است که این قوم اهمیت ویژه‌ای برای خون قاتل هستند. «از دیدگاه حقوقی و تشکیلات حقوقی ایل بختیاری را می‌توان در حکم گسترده ترین واحدی منظور نموده که در بطن آن اختلافات و تنازعات از راه حکمیت و داوری و میانجی‌گری حل و فصل می‌شود» (علی قلی خان، ۱۳۶۳، ص ۴۲۷).

در این آیین نیز، در صورت وقوع قتل عمد در میان قبیله، به علت اینکه هنوز در لحظات اولیه، احساسات، علیه قاتل در نزد خانواده مقتول بسیار تند است و احتمال انتقام و مقابله به مثل در مورد قاتل یا بستگان وی در آن لحظات اولیه زیاد است، سادات و ریش سفیدان ایل و بزرگان قوم گرد هم جمع می‌شوند و در صحنه حاضر شده و اقدام به پادرمیانی و میانجی‌گری می‌نمایند و سپس به خانه مقتول رفته و اقدام به وساطت و میانجی‌گری می‌نمایند و از آنها درخواست می‌کنند که به رسم بزرگی و کرامت از بی‌خانمان نمودن قاتل و خانواده وی در گذرند و خانواده مقتول را به آرامش دعوت می‌نمایند.

پس از گذشت ساعات پراکندگی اولیه، بزرگان و ریش سفیدان قبیله با حضور در بین خانواده مقتول و اولیاء دم مقتول، تلاشهای گسترده‌ای را در جهت تحصیل رضایت خانواده مقتول آغاز می‌نمایند و از خانواده مقتول می‌خواهند که بزرگواری نموده و از درگیر شدن با قاتل و ارتکاب قتلی دیگر خودداری نمایند و قاتل (خون دار) را که مستحق قصاص و هیچگونه تخفیفی نیست، ببخشند و به نزاع و درگیری خاتمه دهند.^۸ در صورت پذیرش تقاضای عفو و بخشش قاتل، از سوی خانواده مقتول، روزی را با توافق دو خانواده قاتل و مقتول برای گفتگو در خصوص جرم ارتكابی معین می‌نمایند و در صورتی که درخواست عفو مورد قبول خانواده مقتول واقع نشود، قاتل باید خود را تسلیم مراجع قانونی نماید در غیر این صورت خانواده و قبیله مقتول اقدام به انتقام‌گیری از قاتل، خانواده و قبیله ایشان می‌نمایند.

در صورت پذیرش درخواست عفو و بخشش قاتل، از طرف خانواده مقتول و توافق درخصوص تعیین روزی که برای گفت‌وگو و مذاکره جهت حل و فصل موضوع تعیین می‌شود در این روز بزرگان و ریش سفیدان خانواده و قبیله قاتل در طی یک اقدام نمادین، برگردن قاتل ریسمانی آویخته و قرآن و شمشیری بر روی دستان وی گذاشته و او را به منزل اولیاء دم مقتول می‌برند و از ولی دم مقتول می‌خواهند که به احترام قرآن مجید قاتل را

این آیین بزرگان بلوچ پس از گذشت چند روز از وقوع قتل در خانه قاتل جمع شده و به اتفاق وی به منزل مقتول یا اولیاء دم وی می‌روند و از خانواده مقتول می‌خواهند که به قاتل پناه بدهند و در مقابل هرچه می‌خواهند مطالبه نمایند. این افراد که در حقیقت نقش میانجی را ایفا می‌نمایند با تسلیم قاتل به خانواده مقتول، متقاضی پناه دادن به قاتل و گذشت از قصاص در برابر اخذ دیه هستند و اگر اولیاء دم اینگونه صلاح نمی‌دانند، قاتل را قصاص نمایند. از نکات قابل توجه در این آیین آن است که به ندرت اتفاق می‌افتد که خانواده مقتول اقدام به مقابله به مثل نمایند. بلکه شرط بزرگواری و کرامت را به جا آورده و پناهندگی را قبول می‌نمایند و با صرفنظر نمودن از قصاص قاتل، یا به دریافت دیه رضایت می‌دهند و یا به طور کلی از او می‌گذرند (عباسی، پیشین، ص ۲۸۱).

بعد از اینکه آیین پناهندگی از سوی خانواده و قبلیه مقتول مورد قبول واقع شد، خانواده یا قبلیه مقتول به هیچ عنوان به خانواده یا قبلیه قاتل، تعرض نمی‌کنند. چراکه به نظر قبایل و عشایر بلوچ کشتن قاتل یا تعرض به وی یا خانواده اش بعد از دادن پناهندگی، امری خلاف فتوت و جوانمردی است (دانا، پیشین، ص ۱۶۰). اما در صورت عدم پذیرش آیین پتر از سوی خانواده و اولیاء دم مقتول بین دو قبلیه قاتل و مقتول جنگ و نزاع آغاز شده که در بعضی موارد دامنه این نزاع خیلی گسترده می‌شود ولی اغلب بر گرفتن دیه تراضی می‌کنند.

در این آیین هم با عنایت به مداخله میانجی برای گفتگو با طرفین اختلاف برای حصول سازش، ضرورت رعایت احترام به طرفین در طول اجرای این فرآیند، اقرار مرتکب به ارتکاب جرم و تسلیم خود به خانواده مقتول و اولیاء دم وی، مشارکت فعال جامعه محلی در اتخاذ تصمیم به همراه طرفین، نقش محوری بزه دیده در فرآیند تصمیم‌گیری، حصول سازش و توافق در صورت موفقیت‌آمیز بودن این فرآیند، از جمله ویژگیهای ترمیمی این آیین به شمار می‌رود.

از مرور این سوابق و پیشینه‌ها، نتایجی به دست می‌آید که همگی بیانگر قابلیت‌های فرهنگی و سنتی در زمینه توسعه استفاده از سازوکارهای ترمیمی در کشورمان می‌باشد و از نظر اصولی این آیین‌ها نباید تنها راه حل و فصل منازعات مناطق بومی و قبلیه‌ای باشد و از طرف دیگر قوانین کیفری و مراجع رسمی حل و فصل اختلافات نیز نباید به طور کلی قابلیت‌های گسترده آیین‌های مذکور را در راستای حل و فصل اختلافات نادیده بگیرند

روسای قبلیه و افراد بانفوذ، در منازعات ایجاد شده بین اشخاص است. این آیین که نام دیگر و سنتی آن « پتر » است در جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد کاربرد دارد. این آیین در حال حاضر در نقاطی از کشورمان در میان قبایل بلوچ مرسوم است که هنوز بافت سنتی زندگی خود را از دست نداده و فرهنگ و آداب و رسوم عشایری بر آن محل‌ها حکمفرما است (دانا، پیشین، ص ۱۵۹). البته این به معنی این نیست که اجرای این آیین در نقاطی که تحت تأثیر فرهنگ زندگی شهری و شهرنشینی قرار گرفته و از آداب و رسوم عشیره‌ای و سنن حاکم بر آن فاصله گرفته‌اند، غیرممکن و محال باشد. بلکه چه بسا بتوان شاهد اجرای این آیین، در این نقاط نیز بود. علیهذا به نظر می‌رسد از آنجا که بافت زندگی سنتی عشایری و کوچ‌نشینی باعث بوجود آمدن این سنتها شده است، تنها می‌توان شاهد اجرای این آیین‌ها در مناطقی بود که بافت زندگی خود را از دست نداده و فرهنگ و آداب و رسوم عشایری بر آن محل‌ها حاکم باشد.

قوم عشایر بلوچ مثل سایر مناطق عشایری کشورمان برای خون انسان ارزش و احترام زیادی قائل هستند از این جهت به طور قطع و یقین می‌توان گفت سنگین‌ترین و بزرگترین جرم نزد این قوم جرم قتل می‌باشد با وقوع قتل به طور معمول اولیاء دم و سایر افراد خانواده مقتول در صدد انتقام و مقابله به مثل برمی‌آیند و چون قبلیه و خانواده قاتل هم نسبت به این موضوع واقف و اطلاع کامل دارند، امر حفاظت از قاتل و خانواده وی در برابر حمله و هجوم خانواده و قبلیه مقتول را به عهده می‌گیرند. در

قوم عشایر بلوچ مثل سایر مناطق عشایری کشورمان

برای خون انسان ارزش و احترام زیادی قائل هستند از این جهت به طور قطع و یقین می‌توان گفت سنگین‌ترین و بزرگترین جرم نزد این قوم جرم قتل می‌باشد با وقوع قتل به طور معمول اولیاء دم و سایر افراد خانواده مقتول در صدد انتقام و مقابله به مثل برمی‌آیند و چون قبلیه و خانواده قاتل هم نسبت به این موضوع واقف و اطلاع کامل دارند، امر حفاظت از قاتل و خانواده وی در برابر حمله و هجوم خانواده و قبلیه مقتول را به عهده می‌گیرند

بخشند و به گرفتن خون بها رضایت بدهند و یا اگر گذشت نمی‌کنند، در صورتی که مصلحت می‌دانند، قاتل را با همان شمشیری که در دست دارد، قصاص نمایند. در ابتدا به طور حتم اولیاء دم به کمتر از قصاص رضایت نمی‌دهند ولی با وساطت بزرگان و ریش سفیدان ایل که از نفوذ و احترام خاصی در بین دو خانواده برخوردارند، اولیاء دم به احترام کلام ... مجید و افراد با نفوذی که اقدام به میانجیگری نموده‌اند از قصاص قاتل یا به طور کلی صرفنظر می‌کنند و یا اینکه اعلام گذشت را منوط به دریافت خون بها می‌نمایند.

در صورت اعلام رضایت، یک نفر از اولیاء دم مقتول به طرف قاتل آمده قرآن و شمشیر را از دست وی گرفته و قرآن را بوسیده و آن دو را به یکی از افراد با نفوذ و ریش سفیدی که پادرمیانی و وساطت نمود (معمولا به مسن‌ترین آنها) تسلیم می‌نماید و ریسمان را از گردن قاتل می‌گشاید و اگر خانواده مقتول به گرفتن دیه رضایت بدهند، دیه را معمولا به صورت توافقی و با حضور میانجی‌گران تعیین می‌کنند و معمولا نیز بر طبق آداب و رسوم موجود، عفو قاتل همراه با ازدواج دختری از خانواده یا قبلیه قاتل با فردی از خانواده یا قبلیه مقتول همراه است.

در این آیین اموری از قبیل مداخله بزرگان و ریش سفیدان دو قبلیه برای گفتگو با طرفین در جهت حصول سازش به عنوان میانجی، ضرورت رعایت احترام به طرفین در طول اجرای این آیین، اقرار مرتکب به جرم ارتکابی و تسلیم خود در جریان این آیین، مشارکت فعال جامعه محلی و سهامدارن پدیده مجرمانه در فرآیند تصمیم‌گیری، پرداخت خسارت به بزه‌دیده و یا اولیاء دم ایشان به میزان توافق حاصل شده و در نهایت حصول سازش و توافق در صورت موفقیت‌آمیز بودن این آیین، جملگی از ویژگی‌های ترمیمی بودن این آیین به شمار می‌رود. با این وجود در این آیین مشابه آیین فصل، ازدواج دختری از خانواده قاتل با فردی از خانواده مقتول در اغلب موارد الزامی بوده، در حالی که این امر، برخلاف موازین حقوق بشری است و چنین اقدامی، ترمیمی بودن آنرا تا حدودی با مشکل مواجه می‌کند.

۳-۳. آیین پناهندگی

این آیین نه تنها در میان قبایل بلوچ در جنوب شرقی ایران بلکه در حوزه فرهنگ و تمدن ایران، یعنی در افغانستان، تاجیکستان و غیره نیز وجود دارد (غلامی، پیشین، ص ۲۰۷) و حاکی از مداخله و مشارکت بزرگان قوم و

و باعث به فراموشی سپرده شدن این آیین ها شوند. بنابراین هرگونه افراط و تفریطی در این راه مشکلی بر مشکلات عمومی این مناطق، افزوده خواهد کرد. از این رو حساسیت و التفات ویژه سیاست گذاران جنایی کشور در این زمینه، بسیار با اهمیت خواهد بود (عباسی، پیشین، ص ۲۸۱).

۴. برآمد

در بسیاری از کشورها از دیرباز، نهادینه سازی مراکز و انجمنهای حمایتی از بزه دیده، به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر مورد توجه قرار گرفته است به عنوان مثال در فرانسه از سال ۱۹۸۲ وزارت دادگستری دفتر حمایت از کلیه بزه دیدگان را ایجاد کرده است. همچنین موسسه ملی کمک به بزه دیدگان از سال ۱۹۸۴ تشکیل شده که در زمینه های میانجی گری، تهیه لایحه و شکایت، معاضدت قضایی و پیشگیری از بزهکاری، کمک و راهنمایی می کند (نجفی ابرند آبادی، سال ۱۳۷۴، ص ۴۸).

بنابراین با در نظر گرفتن این الگوها می توان به توسعه و گسترش آن در دادگستری ایران و نیز در مراکز دولتی بهزیستی و ایجاد مراکز همسان با آنها، گامهای موثری در کمک به بزه دیده و توجه هرچه بیشتر به نیازهای او برداشت.

توجه کنیم که تفاوت اساسی یک فرآیند ترمیمی با یک فرآیند رسیدگی کیفری سنتی در این است که، نتیجه و ماحصل در فرآیند رسیدگی کیفری سنتی، اصولاً محکومیت یا برائت است. در این رسیدگی، یک نفر بازنده و یک نفر برنده می شود، در حالی که در فرآیند ترمیمی، نتیجه و ماحصل دادرسی، اصولاً توافق است. در اینجا دو نفر یا چند نفر با همدیگر به توافق می رسند که چه اقدامی برای راست گردانیدن اثرات تخریبی جرم واقع شده، انجام دهند. عدالت ترمیمی به عنوان یکی از راههای اصلاح نظام عدالت کیفری سنتی است.

سازوکارهای ترمیمی با اعمال سیاستهای جرم زدایی، قضاودایی و کیفر زدایی، امروزه نه تنها کارآمدی خود را در رسیدگی به جرائم کم اهمیت و جزئی نشان داده است، بلکه در صورت ایجاد بستر و فرهنگ سازی مناسب اجتماعی، می تواند در حل و فصل جرائم سنگین نیز، موثر واقع شود. به عنوان مثال امکان جبران خسارتهای بزه دیدگان جرمهایی که در آنها، مباشر جرم ناشناخته یا معسر است از طریق تصویب قانون ترمیم خسارت بزه دیدگان جرمهای خشونت آمیز مصوب ۱۹۷۷ در کشور فرانسه ایجاد شده است. در کشور ما نیز همانند ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه

اجباری وسایل نقلیه موتورسی، می توان گامهای بیشتری را در این زمینه برداشت.

تردید نیست که با در نظر گرفتن مشکلات اجرایی عدالت کیفری سنتی در ایران از جمله اطلاع دادرسی، افزایش جمعیت زندانیان به تبع تورم پرونده های کیفری و تراکم کار در دادگستریها، کاهش فضای مناسب زندان برای نگهداری زندانیان و بزهکاری در محیط کنترل شده زندان، استفاده از برنامه های ترمیمی تا حدودی از شدت این مشکلات خواهد کاست. اما در این راه نیز، نباید راه تفریط را طی کرد. در یک جمع بندی کلی می توان به این نکته اشاره کرد که علیرغم شناخت و تأمین برخی موقعیتهای و حقوق نسبی برای بزه دیدگان در ایران، در این زمینه نیازمند تحولات بیشتری در قوانین موضوعه از یک طرف و در نهادهای مختلف حقوقی، قضایی و اداری - خدماتی، از طرف دیگر هستیم. بنابراین بدون آنکه بخواهیم تمرکز بر حقوق بزه دیدگان را بهانه نقض حقوق بزهکاران قرار دهیم باید برای امر تأکید کنیم که دستیابی و تحقق عدالت در امور کیفری، مستلزم توجه به همه سهامداران پدیده مجرمانه است. به عبارت دیگر حمایت از بزه دیدگان، نیازمند جایگاه ویژه و مستقل در تدوین برنامه های نظری و راهبردی سیاست جنایی است که لازمه آن پیش بینی طرح جامع حمایت از بزه دیدگان می باشد.

پی نوشت:

۱ - سهامداران اصلی که شامل بزه دیده، بزه کار و جامعه محلی بوده و مستقیماً از وقوع جرم متأثر می شوند و سهامداران فرعی که ممکن است اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد جامعه محلی را دربرگیرد.

۲ - شخصی است که علت ایراد صدمه به دیگری می باشد و مسولیت خود را در قبال جرم ارتكابی پذیرفته و یا به آن محکوم شده است.

۳ - کسی است که از یک اقدام مخرب و زیان آور (جرم) دچار درد و رنج شده است.

4-Restorative trial

۵ - گروهی از افراد که به واسطه مصلحت مشترک و تمایل به کار با یکدیگر به خاطر آن مصلحت با هم پیوند دارند.

۶ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۷۹

۷ - برخی به اشتباه به خانواده مقتول در اصطلاح محلی خون دار گفته اند درحالیکه خون دار صفت قاتل و خانواده ایشان است. رجوع کنید به: طاهری، حسن، بررسی تطبیقی سیاست جنایی مشارکتی گذشته و حال ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم

شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، سال ۷۶-۱۳۷۵، ص ۷۸

فهرست منابع:

ابن ابی یعقوب، احد، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد اول، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، سال ۱۳۶۲

اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، عدالت برای بزه دیدگان، ترجمه علی شایان، سلسبیل، چاپ اول، سال ۱۳۸۴

دانا، امیررضا، جلوه های عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۴

رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، سال ۱۳۸۱

رهگشا، امیرحسین، نگاهی به شوراهای حل اختلاف، انتشارات دانشور، چاپ دوم، سال ۱۳۸۳

زهر، هوار، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۸۳

عباسی، مصطفی، افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، انتشارات دانشور، چاپ اول، سال ۱۳۸۲

عبدالفتاح، عزت، از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله حقوقی دادگستری، شماره سوم، سال اول، سال ۱۳۷۱

عطاشنه، منصور، فصل در بین عشایر عرب خوزستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، سال ۱۳

علی قلی خان، سردار اسعد بختیاری، تاریخ بختیاری، انتشارات سیاوی، چاپ دوم، سال ۱۳۶۳

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از جرم مداری تا بزه دیده محوری، دیباچه در لپز ژرار، لاژینا، فیلزو، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه کردعلیوند، روح الدین و محمدی، احمد، مجمع فرهنگی مجد، سال ۱۳۷۹

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درسی بزه دیده شناسی، فاطمه قناد، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۴

نوذربور، علی، آیین فصل در جامعه عشیره ای عرب ساکن خوزستان، مجله رشد علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۸، سال ۱۳۷۰